

رویکرد بهره‌وری در برنامه اقتصادی دولت یازدهم

هوشیار فقیهی

تزییق امید به شاخص‌های اقتصادی



بهره‌وری در علم اقتصاد به معنی استفاده هوشمندانه از منابع در دسترس جهت تحقق اهداف توسعه و رفاه اجتماعی، در قرن هجدهم میلادی در بخش تولید کالایی به عنوان یک علم تجربی پا به عرصه دانش بشری نهاد و در قرن بیستم به عنوان یکی از موثرترین ابزارهای ارتقای کیفی سرمایه‌گذاری در سطح ملی بدل شده، به گونه‌ای که با اندازه‌گیری بهره‌وری کل عوامل تولید مشخص شده حدود ۵۰ درصد از رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته از این طریق و بدون سرمایه‌گذاری فیزیکی به دست آمده است.

به عبارتی این کشورها با استفاده هوشمندانه منابع از ضایع شدن ثروت ملی خود جلوگیری کرده و منجر به ارتقای رفاه عموم اجتماع خود شده‌اند. آیا در ایران از این علم بهره‌گیری مناسب با توجه به اعتقادات معنوی همراستا با این مفاهیم شده است؟ متأسفانه به رغم آشنایی مدیران کلان اقتصادی کشور حداقل از سال ۱۹۶۵ میلادی که ایران عضو یکی از مهم‌ترین سازمان‌های منطقه‌ای بهره‌وری دنیا (سازمان بهره‌وری آسیا) شده، شاخص‌های کلان اقتصادی در این بخش بیانگر عدم به‌کارگیری مناسب از این دانش در حوزه اقتصاد کشور است و شرایط حاکم بر اقتصاد کشور این الزام را برای ورود به این مباحث روز به روز روشن‌تر می‌کند؛ زیرا دسترسی به اهداف چشم‌انداز از یکسو و رهایی از بیماری‌های مزمن اقتصادی و رسیدن به رشد پایدار اقتصادی از سوی دیگر، تنها از مسیر بهره‌وری و حل مشکلات پیش‌روی عملیاتی شدن این مفاهیم می‌گذرد و تاخیر و بی‌توجهی به آن منجر به بروز بحران ملی بهره‌وری و متعاقب آن مشکلات حاد تولید ثروت در کشور خواهد شد که متأسفانه نشانه‌هایی از این بحران دیده می‌شود.

به رغم تلاش‌های بسیار مدیران اقتصادی کشور و تجلی آن در قوانین و مصوبات مانند تبصره ۳۵ قانون برنامه دوم توسعه^۱، مصوبه ۸۰۷۰ هیات وزیران در سال ۱۳۷۹، ماده ۵ قانون برنامه چهارم توسعه و تدوین سند ویژه ارتقای بهره‌وری، ماده ۷۹ قانون برنامه پنجم توسعه و قرارگیری این مفاهیم در مبنای نظری برنامه‌های توسعه کشور چنان‌تایچ ملموس و مفیدی در این حوزه عاید کشور نشده است؟ این مشکل بالغ بر ۵۰ سال است به صورت مزمن و پنهان همواره در کشور وجود دارد؛ اما طی دو دوره رونق نفتی سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۸۴ مدیران اقتصادی با عدم بهره‌گیری از مبنای علم اقتصاد، مسیر افت شاخص‌های اقتصادی از جمله بهره‌وری

را با چنان شدتی به پیش بردند که وضعیت تورمی همراه با رکود را بر کشور حاکم کردند. بعد از سپری شدن دوره اول بحران تورم همراه با رکود جامعه در سال های ۱۳۵۷ به بعد به دلیل انقلاب، جنگ تحمیلی و... نتوانستیم شرایط را برای بهره گیری از دانش بهره وری و بازساماندهی اقتصاد کشور فراهم کنیم.

در حال حاضر با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد کشور و فرصتی که برای بهبود ساختارهای اقتصادی به وجود آمده است، در این نوشتار انتظارات و الزاماتی را که کشور برای تحقق اهداف بهره وری در حوزه اقتصاد نیاز دارد با این رویکرد که آیا برنامه های عملیاتی دولت یازدهم در جهت اصلاح ساختارها است یا قدم در راه گذشتگان و تمرکز بر منابع بین نسلی دارد؟ این مسیر دشوار تاریخی، در کشور انگلستان ۵۰ سال و در آمریکا ۳۰ سال طول کشیده که از طریق ارتقای بهره وری تولید ناخالص داخلی خود را دو برابر کنند و طی این مسیر نیاز به واکاوی و ارایه ایده های نو از طرف اندیشمندان و خبرگان کشور دارد.

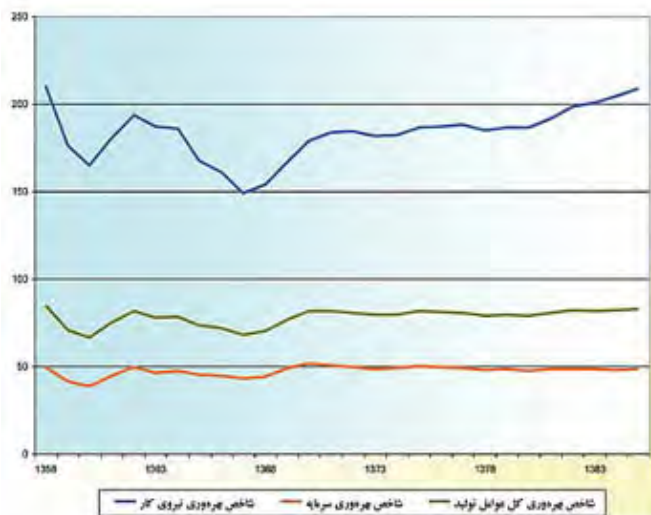
بدیهی است به دلیل وجود مشکلات مزمن اقتصادی در کشور (تورم، بیکاری، بهداشت و ...) و عدم دیدگاه استراتژیک برای حل مسائل اقتصادی همواره با تغییر دولت ها، به فکر حل سریع مشکلات برآمده و دچار جاری زدگی شده اند. این نوع برخورد مانند هیزم شکنی است که اراه اش کند شده، ولی به دلیل احساس عقب افتادن کارهایش حاضر به تیز کردن اراه اش برای افزایش راندمان کارش نیست. غافل از این که این عقب ماندگی روز بیست و نهمی^۳ هم دارد که دیگر قابل جبران نیست. نیاز کشور به برون رفت از این فضا بنده را واداشت طی این یادداشت استنباط خود را از پاشنه آشیل اقتصاد کشور را که همانا عدم به کارگیری مبانی نظری حاکم بر استفاده هوشمندانه از منابع در دسترس (بهره وری) و الزامات ورود به این مبحث است مطرح کنم. امید است این نوشتار شروعی بر ورود اندیشمندان و خبرگان از یکسو و توجه ویژه و اجبارگونه دولت به این رویکرد در راستای حل زیربنایی کاستی های اقتصاد کشور باشد.

برای ورود به بحث نیازمند به صورت اجمالی مبانی نظری حاکم بر مفاهیم بهره وری در حوزه اقتصاد کلان را مروری داشته باشیم. بهره وری به تعبیری انجام دادن کار درست به روش درست است که از دو بعد تکنیکال و فرهنگی مورد توجه متخصصان موضوع قرار می گیرد. از منظر تکنیکال با اندازه گیری شاخص نسبت ستانده به داده در سیستم ها علاوه بر تعیین هدف کمی و ارزیابی عملکرد سیستم ها، یک مفهوم ناگفته در آن مستتر است و آن ایجاد فضای شفاف و ارایه اطلاعات پایه جهت پایش و بررسی اثربخشی و کارایی سیستم ها برای استفاده کارشناسان و مدیران ارایه می دهد. اما در بعد فرهنگی تلاش بر این است بستری در بنگاه یا در مقیاس وسیع تر جامعه فراهم شود که برای تصمیمات و عملکرد هوشمندانه نسبت به به کارگیری منابع به وجود آید. ایجاد این بستر نیازمند قرارگیری شرایط اجتماعی - اقتصادی کشور در مرحله ای از توسعه است که سعی می شود نحوه و الزامات رسیدن به این شرایط را در این مجال به آن بپردازیم.

میزان کاربرد این مفاهیم در اقتصاد سایر کشورها می تواند درجه اهمیت این موضوع در تحقق رفاه اجتماعی را برای ما روشن سازد (شعاری که تقریباً تمامی دولت های ما بر آن تأیید داشته اند). در کشورهای توسعه یافته به کارگیری این مفهوم به گونه ای دنبال شد که قابلیت اندازه گیری شاخصی به نام بهره وری کل عوامل و سهم آن در تولید ناخالص داخلی کشورها را اندازه گیری می کرد. چنانچه در جدول یک ملاحظه می کنید سهمی حدود ۴۹ درصد از رشد را برای کشورهای توسعه یافته و سهم ۳۱ درصد از تولید ناخالص داخلی برای کشورهای در حال توسعه را این شاخص به خود اختصاص داده است.

معنا و مفهوم این ارقام را می توان این گونه تعبیر کرد که کشورهای توسعه یافته برای رسیدن به این درجه از ارتقای بهره وری نیروی انسانی را تربیت می کنند که در ساعت ۴۲ دلار ارزش افزوده برای کشورش تولید می کند. این درحالی است که در همان فاصله زمانی این رقم برای کشور ایران ۷/۱ دلار در ساعت است^۴. یا به ازاء هر واحد سرمایه گذاری در این کشورها^۵ واحد تولید ارزش افزوده را به همراه دارد. این در حالی است که به ازاء هر واحد

سرمایه‌گذاری در کشور ما در سال ۱۳۸۵ توانسته ایم ۵۸/۰ واحد تولید ارزش کنیم (نمودار یک) ۶.



نمودار ۱: شاخص‌های بهره‌وری جزئی و کلی طی سالهای ۱۳۵۸ الی ۱۳۸۵

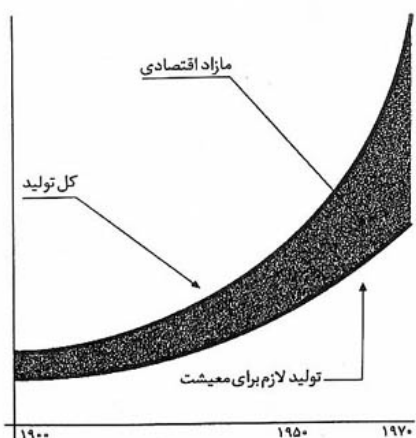
چه اتفاقی رخ داده است که این فاصله ایجاد شده است؟ این آمارها بیانگر این واقعیت است که با تفکر، مدیریت و ساختارهای قبلی نمی‌توان به این مهم رسید بنابراین باید ساختارهایمان را طوری طراحی مجدد کنیم که بتوان از منابع در دسترس به صورت هوشمندانه بهره‌برداری کرد. در غیر این صورت با رویکرد سرمایه‌گذاری محض در ایده‌آل‌ترین شرایط به دوران طلایی درآمدهای نفتی ۸ سال گذشته یا سال‌های ۱۳۵۳ خواهیم رسید و این تجربه تاریخی و بهره‌گیری از سرمایه‌های فیزیکی در نهایت دو تجربه رشد منفی را برای کشورمان طی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۹۱ را به ارمغان آورد.

برای استفاده هوشمندانه از منابع در دسترس و خلق ارزش در راستای تحقق اهداف رفاه آحاد ملت، الزاماتی دارد که در صورت غفلت و عدم توجه به این الزامات نهایتاً در مسیر انتخاب‌های غیرعقلایی اقتصادی و اتخاذ تصمیم‌های غیرعقلایی و نابودی منابع بین‌نسلی و دغدغه‌های کنونی دولت یازدهم از جمله تورم، بیکاری، عدم تامین سلامت جامعه و... گام بر خواهیم داشت.

حال باید دید این شاخص‌ها و به عبارتی این الزامات چیست و آیا نشانه‌هایی از حرکت به سمت تحقق آنها در دوره ۱۰۰ روزه دولت یازدهم و گزارش اقتصادی این دوره دیده می‌شود؟ برای سهولت و ساده‌سازی موضوع با طبقه‌بندی زیر بحث را دنبال خواهیم کرد الزامات در: سطح کلان اقتصادی، زیرساخت‌های اقتصادی و تحولات تربیت منابع انسانی برای اینکه بتوان شرایطی برای استفاده از ابزارهای بهینه‌سازی سیستم‌ها و در نهایت استفاده هوشمندانه از منابع در دسترس را دنبال خواهیم کرد.

الزامات و تحولات مورد نیاز در سطح کلان

با توجه به محاسبات انجام شده (نمودار دو) طی سال‌های ۱۹۰۰ لغایت ۱۹۷۰ بیانگر این واقعیت است که از دهه ۷۰ میلادی به بعد می‌توان مازاد تولید را به پس‌انداز و در نهایت سرمایه‌گذاری کرد و برای قرارگیری در شرایط بهره‌گیری از مبانی بهره‌وری جهت ارتقای کیفیت سرمایه‌گذاری، اگر عقلانیت را در مدیریت اقتصاد کشور به کار می‌گرفتیم آمادگی قرارگیری در مسیر توسعه را داشته، اما برای قرارگیری در این فضا آیا الزاماتی که در حوزه اقتصاد کلان مورد نیاز بود به کار گرفتیم؟ واقعیت این است تفکرات سال‌های گذشته مدیریت کلان اقتصادی، ما را از به کارگیری مفاهیم بهره‌وری محروم کرد.



نمودار ۲: وضعیت تولید و مازاد اقتصادی در ایران ۱۹۸۰-۱۹۰۰

- برای تحقق این اهداف باید در سه وجه شرایط برای استفاده هوشمند از امکانات مهیا شود.
- اول «باید ساختار مدیریت اقتصادی به گونه ای طراحی شود که از توان کارشناسی کل آحاد کشور فارغ از نژاد، مذهب، منطقه و... استفاده کنیم».
- دوم «عقلانیت و علم در نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری اقتصادی جایگزین بخشی نگری، جاری زدگی و تصمیم گیری های خلق الساعه فردی شود».
- سوم «قانون مدار بودن کل فعالیت های اقتصادی کشور».

الزامات و تحولات مورد نیاز در زیرساخت های اقتصادی

- اتکای ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشور بر اقبال نوگرا، عدم تمرکز در تصمیم گیری و اجرا و درنهایت رسیدن به یک نظام اجرایی مردم سالار
- ایجاد امنیت برای سرمایه و مالکیت، نهادینه شدن بخش خصوصی در ساختار اقتصادی کشور
- مبارزه همه جانبه با رانت، گسترش نظام اطلاعات آزاد اقتصادی برای دسترسی عموم
- مبارزه فراگیر با فساد مالی در کشور
- قانونمندشدن فعالیت ها، ارتقای کارآیی و مسوولیت پذیر بودن ساختار اجرایی کشور
- دادن اصالت به کار، تلاش و تولید ارزش در کشور
- الزامات و تحولات مورد نیاز در تربیت منابع انسانی:
- بازبینی و اصلاح آموزش های پایه در زمینه: کتب درسی، روش تدریس،
- تربیت معلم و مدیریت آنها در راستای نهادینه کردن مفاهیم بهره وری
- متناسب سازی نظام آموزش ها و مهارت آموزی با نیازهای بخش تولید کشور
- ایجاد و گسترش شبکه پژوهش در راستای تحقق اهداف تولید کشور

در چنین فضایی است که ما می توانیم از مفاهیم بهره وری استفاده کنیم یا به عبارتی ما نمی توانیم در خارج از آب، ماهی را زنده نگه داریم برای زندگی ماهی باید فضای مساعد را فراهم کرد اگر این فضا مناسب نباشد قطعاً ماهی زنده نخواهد ماند. برای به کارگیری ابزارها و مفاهیم بهره وری در اقتصاد کشور نیز ما نیازمند به وجود آوردن فضایی هستیم که مشخصات فوق را داشته باشد و عدم نتیجه گیری سرمایه گذاری در ایران به علت این است که این فضا وجود ندارد و درنهایت استفاده از مفاهیم بهره وری ممکن نیست.

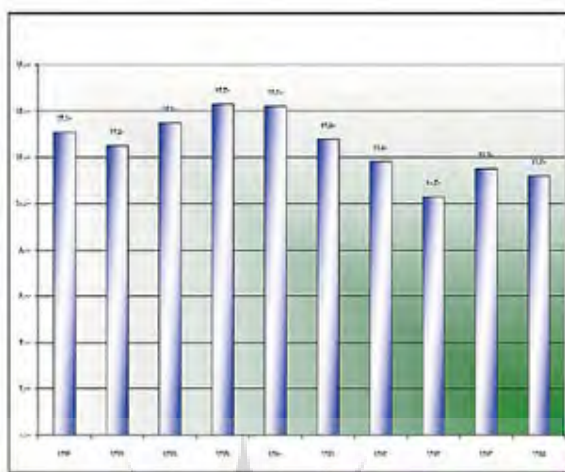
اما اگر این فضایی که ترسیم شد برای به کارگیری مفاهیم بهره وری فراهم نشود چه اتفاقی خواهد افتاد؟ درآمد سرانه ایران از ۲۸۶۹ دلار در سال ۱۹۸۰ به مبلغ ۷۸۳۴ دلار در سال ۲۰۰۵ رسید در حالی که کشور کره جنوبی درآمد سرانه ۲۵۸۱ دلار در سال ۱۹۸۰ به رقم ۲۲۲۰۷ دلار در سال ۲۰۰۵ با بهره گیری از مبانی بهره وری و آماده سازی فضای مورد نیاز می رسد. (جدول دو)

جدول یک		رشد اقتصادی	
نرخ اقتصادی	نرخ سرمایه گذاری	نرخ اقتصادی	نرخ سرمایه گذاری
کشورهای توسعه یافته (میانگین ۱۶ کشور)	۴۹	۴۹	۴۹
کشورهای در حال توسعه (میانگین ۲۰ کشور)	۲۹	۲۹	۲۹

درآمد سرانه کشورهای عضو APO در سال ۲۰۰۵ (دلار آمریکا)		جدول سه: تطابق بودجه عمومی دولت ها و نرخ رشد اقتصادی	
سال کشور	۱۹۸۰	میانگین بودجه عمومی (هزار میلیارد تومان)	نرخ رشد اقتصادی (به نسبت جاری ۱۳۹۰)
اتحادیه اروپا (بازنده کشور)	۹,۰۲۸	۱۹	۱۹
جمهوری خلق چین	۶,۹۴۰	۱۲	۹,۶
ژاپن	۳۱,۳۷۲	۹,۱۳۲	۳,۴
سنگاپور	۲۹,۶۶۰	۱,۹۹۳	۳۸,۷
جمهوری چین (ایران)	۲۹,۵۷۱	۳,۷۱۲	۱۳,۱
کره جنوبی	۲۲,۲۰۷	۲,۵۸۱	۱۳,۷
مکزیک	۱۰,۵۵۷	۲,۱۶۹	۱۳,۷
جمهوری اسلواکی ایران	۷,۸۲۱	۲,۸۶۹	۱۳,۷

جدول دو: Data Analysis APO ۲۰۰۶

با رویکرد سرمایه گذاری صرف، مشکل بیکاری در جامعه یک مشکل مزمن تبدیل خواهد شد (نمودار سوم). به گونه‌ای که مشاهده می شود با تمامی سرمایه گذاری هایی که صورت گرفته عملاقدر به حل مشکل بیکاری در جامعه نبوده‌ایم (وضعیت سال های ۱۳۸۴ به بعد نیاز به آمار ندارد). بر اساس جدول سه تاکید به افزایش سرمایه فیزیکی نه تنها موجب رشد اقتصادی نمی شود بلکه منجر به تورم، کاهش ارزش پول ملی و... خواهد شد. با این شرایط است که برخی از خبرگان اقتصادی عنوان بحران ملی بهره وری را در این زمان مطرح می کنند.



نمودار ۳: روند نرخ بیکاری ۱۳۷۶ - ۱۳۸۵

حال با توجه به مسایل مطروحه آیا حرکت های دولت یازدهم در مسیر ایجاد فضای مناسب برای به کارگیری مفاهیم بهره وری در کشور است؟

در اهداف مطروحه دولت در گزارش اقتصادی ۱۰۰ روزه خود هدف اول را بر پایه اعتماد سازی مردم نسبت به توان کارشناسی دولت قرار داده که در صورت عمل به شعارهای مطروحه خود موفق خواهد شد. در سه هدف مطروحه دیگر بارقه هایی از امید در زمینه تشخیص برخی از مشکلات اساسی بهره وری کشور مانند عدم وجود شفافیت در آمار و اطلاعات اقتصادی، به کارگیری توان کارشناسی کشور برای مشارکت در تحقق برنامه های اقتصادی کشور و مهم تر این که با تعریف ارایه شده از نحوه انجام فعالیت ها «دولت نه فقط خوب کار می کند، بلکه کار را هم خوب انجام می دهد» عملا این پیام را می رساند که دولت به دنبال بهره برداری هوشمندانه از منابع در دسترس خود با ارایه تعریفی از بهره وری، در سرلوحه فعالیت های خود است. اما آیا در عمل نیز این اهداف و الزامات فوق الذکر برای تحقق آرمان های توسعه اقتصادی و بهره وری و استفاده هوشمندانه از منابع در دسترس به کار گرفته شده یا در آینده استفاده می شود؟ در طول دوره کوتاه حاکمیت اقتصادی دولت یازدهم به رغم شعارها و ادعاهای مطروحه متاسفانه متناسب با الزامات و شعارهای عنوان شده از توان کارشناسی کشور بهره گیری نشده و شاهد این مدعا علاوه بر گزارش ۱۰۰ روزه، به کارگیری پتانسیل ها و ظرفیت کارشناسی کشور و مشارکت و بهره مند شدن از این موهبت در تدوین لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ بود که در این زمینه متاسفانه حداقل در حوزه بهره وری نتوانست از این ظرفیت بهره مناسب را ببرد و کماکان با استفاده از توان کارشناسی دولت و در چارچوب مفاهیم بودجه نویسی سازمان مدیریت و برنامه ریزی سابق (که قطعاً جوابگوی شرایط اقتصادی کنونی نیست و چه بسا یکی از عوامل رفتن کشور به این مسیر همانا احاطه تفکرات این سازمان بر اقتصاد کشور بوده است) صورت گرفت. این می تواند اولین زنگ خطری برای شعارهای مطرح شده دولت در بازسازی فضای اقتصاد کشور و دوستداران قرارگیری کشور در مسیر توسعه باشد. در زمینه شفاف سازی اطلاعات اقتصادی و بهره مندی احاد جامعه از اطلاعات صحیح در هدف سوم این گزارش آمده است که ارایه خود گزارش می تواند، یکی از گام های موثر در جهت شفاف سازی و جوابگویی مسئولان به عملکرد خود باشد که طی یک دهه گذشته با شدت بیشتری آسیب دیده است، اما از منظر نظام تولید آمار و اطلاعات کشور آیا ما نیازمند یک واکاوی اساسی نیستیم؟ تجربه یک دهه گذشته نشان داد در

حوزه اطلاعات اقتصادی (به عنوان یکی از پایه‌های اساسی تصمیم‌سازی کشور)، دولتی بودن آن و عدم وجود پژوهشگاه‌های مستقل و غیردولتی معتبر در کشور، دولت هرگاه اراده کند مسیر تولید و توزیع اطلاعات را می‌تواند بر اساس سیاست‌های جاری خود مختل و کارشناسان اقتصادی کشور را در تحلیل شرایط دچار نقصان نماید. این دولت همان روال عادی تولید اطلاعات را و با همان ساختار قبل دنبال کرده که امید است، با توجه به اهمیت موضوع در مسیر استفاده بهینه از منابع از یک طرف و به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد برای مبارزه با فساد و رانت خواری در کشور (توجه به آمار سال ۲۰۱۳ سازمان شفافیت بین‌المللی، ایران با بازده پله سقوط نسبت به سال قبل رتبه ۱۴۴ ام را بین ۱۷۴ کشور مورد بررسی، کسب کرده است) یکی از برنامه‌های عملیاتی دولت در بازسازی اقتصاد می‌تواند، این مهم باشد.

در بخش اقتصاد کلان نکته مهم دیگر قانونمند شدن فعالیت‌های اقتصادی است که یکی از ابزارهای شاخص برای تحقق این مهم و اعمال نظارت عالی بر انضباط مالی دولت، احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور است. آیا احیا باید با ایده و تفکر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قبل (داشتن اولویت اول و آخر بودجه نه برنامه و بهره‌وری در این سازمان) صورت گیرد؟ آیا نحوه عملکرد سازمان قبل از انحلال، مطلوب برای به‌کارگیری هوشمندانه از منابع کشور بود؟ این سوالات به معنای عدم احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نیست، اما بازسازی مانده‌ی این سازمان به عنوان محرک توسعه کشور، می‌تواند کارشناسی کشور در چارچوب نهادهای غیر دولتی و... استفاده بهینه صورت گیرد. که در این زمینه نیز تاکنون حرکت مثبتی دیده نمی‌شود و با عدم آرایه اطلاعات به بدنه کارشناسی جامعه تعداد محدودی از کارشناسان به سازماندهی مجدد با همان تفکرات قبل خواهند پرداخت و باز به سازمان مدیریت قبل رجوع خواهیم کرد. در بخش زیرساخت‌های اقتصادی برنامه‌ها عملیاتی تر شده و رویکرد دولت برای حل مشکلات را بیشتر نمایان می‌سازد (انتظار کارشناسان از دولت‌ها این است که نه در زمان مواجه با مشکل پس از استقرار دولت جدید، بلکه در زمان مبارزات انتخاباتی کاندیداها و تیم اقتصادی‌شان نسبت به برخورد با این مسایل برنامه مدون و مشخصی داشته باشند به خصوص موارد شاخصی مانند: فساد اداری، ایجاد رانت اقتصادی، اصلاح ساختار بوروکراسی دولت، پاسخگویی مسئولان در قبال تصمیمات اقتصادی و... اما متأسفانه در کشور کمتر این اتفاق افتاده) مطرح کردن این موارد در قالب گزارش ۱۰۰ روزه اقتصادی یک نکته مثبت و میمونی است که در اقتصاد کشور برای اولین بار رخ داده است. این فضا کارشناسان را به مطالبه‌خواهی از حرکت به سمت منافع ملی می‌کشاند در این مجال نیز به نظر می‌رسد، مسئولان اقتصادی کشور با توجه به وضعیت نابسامان معیشت، بیکاری و... که جامعه ایران برای دومین بار در تاریخ ۵۰ ساله خود تجربه می‌کند اولویت‌های دیگری را پیش رویشان قرار داده و من به عنوان جاری زدگی در مدیریت اقتصادی ایران از آن نام می‌برم و پیش‌بینی می‌شود، عدم توجه به حل مشکلات بنیادی مانند اصلاح نظام آموزشی، تدوین نظام شایسته‌سالاری، ایجاد امنیت برای سرمایه و مالکیت، نهادینه شدن بخش خصوصی در ساختار اقتصادی کشور، مبارزه همه‌جانبه با رانت، دادن اصالت به کار، تلاش و تولید ارزش در کشور، مبارزه فراگیر با فساد مالی در کشور و... در نهایت این مسیر منتهی به بحران ملی بهره‌وری در کشور خواهد شد، مگر اینکه در حین اصلاح و بهبود مهم‌ترین مسایل اقتصادی پیش روی دولت به انجام اصلاحات بنیادی در حوزه الزامات زیرساخت ارتقای بهره‌وری کشور بپردازیم. در این بخش لازم به یادآوری است با وجود فعالیت‌های مستمر متخصصان مدیریت و به‌کارگیری ابزارهای بهبود در بنگاه‌های تولیدی و خدماتی کشور اما نتایج قابل قبولی حاصل نشده، علت چیست؟ زیرا فضای عملیاتی در بخش‌های اقتصادی کشور برای بهره‌گیری از این مفاهیم فراهم نشده است. در گزارش ۱۰۰ روزه دولت مشکلات به خوبی دیده شده و مباحث اصلی تاثیرگذار نیز دیده شده، ولی تغییر در رویکرد اقتصادی و رفتن به سمت افزایش بهره‌وری کل عوامل در آن دیده نمی‌شود. که این خطر را برای آینده اقتصاد ایران متصور شود که بحث بحران ملی بهره‌وری می‌تواند، واقعی و جدی باشد. نهایتاً به نظر می‌رسد یکی از بحرانی‌ترین و موثرترین حوزه اقتصادی کشور که مسیر استفاده بهینه از طریق این بخش شروع خواهد شد تحولات تربیت منابع انسانی است که در کشور با توجه به فعالیت‌های چند دهه گذشته تحولات شگرفی در آن صورت گرفته است که میزان مخاطره در این جهش از این منظر قابل تامل است که مدیران اقتصادی کشور با توجه به عدم توان تامین شغل برای متولدین دهه شصت و جهت تاخیر در ورود به بازارهای کار، در دانشگاه‌ها آنها را مشغول به تحصیل کرده‌اند که این علاوه بر به وجود آوردن یک فرصت و پتانسیل برای توسعه کشور اگر نتوانیم، متناسب با این

نیرو بازار کار تامین کنیم مشکلاتی از جمله: عدم اشاعه فرهنگ عمومی کار و تلاش و تولید که یکی از معضلات اقتصادی کشور است، دامنگیر خواهد شد که این فرصت استثنایی را به تهدیدی در منافع اقتصادی کشور تبدیل خواهد کرد. شناسایی مشکلات و مزیت های نسبی اقتصادی کشور که در گزارش دولت به خوبی به آن اشاره شده بود برای بار اول نیست که این لیست ها تهیه می شود. در برنامه چهارم توسعه نیز به بسیاری از این موارد اشاره شده و برنامه هایی برای آنها تدوین شده بود، ولی به دلیل عدم توجه به الزامات و مفاهیم بهره وری عملیاتی نشد. حال برای عملیاتی کردن این مزیت ها و آمدن نتایج و منافع آن روی سفره های ایرانی دولت چه راهکارهایی دارد، آیا این مسیر از طریق مفاهیم بهره وری و توجه به الزامات آن دنبال خواهد شد؟

پاورقی:

1- Total Factor Productivity(TFP)

- ۲- قانون در خصوص ارتقای بهره وری دستگاه های اجرایی کشور.
- ۳- اگر فرض کنید استخری دارید که در عرض ۳۰ روز با ماده ای که در هر روز دو برابر می شود، پر می شود. در روز بیست و نهم، سه چهارم از حجم استخر خالی است و فرآیند پر شدن بیشترین حجم استخر از روز بیست و نهم شروع می شود.
- ۴- تحقیق زنده یاد دکتر عظیمی در سال ۱۳۸۱.
- ۵- برای نویسنده به دلیل ایجاد اغتشاش و عدم اعتماد به آمارهای بعد از سال ۱۳۸۵ کشور استفاده از آمارها در این مجال امکان پذیر نبود. گزارش تهیه شده توسط دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه ریزی ۱۳۸۵.
- ۶- نشریه آبادگران شماره ۱۳۲-۱۳۱، اسفند ۱۳۷۵.

منبع: روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۳۰۹۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی